

بر این اعتقادند که بارزترین نشانه‌ی قومیت و به‌ترین وسایل شناسایی خصلت‌های یک ملت، فرهنگ بومی آنها است. در این پژوهش تلاش می‌شود با روش توصیفی و رویکرد طبقه‌بندی بر اساس نظریه‌ی چرخه‌ی حیات (کودکی، بلوغ، نوجوانی و جوانی، مراسم مذهبی و آیینی، سوگ) موسیقی موقعیتی و غیرموقعیتی به تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی موسیقی قومی کرمان هرچند مجمل اشاره شود.

پیشینه‌ی پژوهشی

در مورد موسیقی نواحی کرمان می‌توان به کتاب نگاهی به موسیقی نواحی کرمان (۱۳۹۷) و آلبوم‌های «کوپرانها» و «باغ آوا» که به کوشش فؤاد توحیدی (۱۳۹۷-۱۳۸۴) منتشر شده‌اند و پژوهش‌های انجام‌گرفته توسط احمدرضا مؤید محسنی (۱۳۴۷) و محمدرضا درویشی (۱۳۷۵) اشاره کرد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر داده‌ها با روش اسنادی و تکیه بر مطالعه‌ی کتاب‌ها، مقالات و مطالعات میدانی به‌دست آمده است و با روش توصیفی و رویکرد طبقه‌بندی بر اساس نظریه‌ی چرخه‌ی حیات و موسیقی موقعیتی و غیرموقعیتی و ماده‌ی صوتی (سازی، آوازی، موسیقی دارای متر و بدون متر) تقسیم‌بندی شده‌اند.

تقسیم‌بندی موسیقی قومی استان کرمان بر اساس نظریه‌ی چرخه‌ی حیات

چرخه‌ی حیات در واقع به فرایند رشد و نمو یک موجود زنده، از مرحله‌ی تولد تا مرگ با شروع دوران جدیدی از زندگی اطلاق می‌شود. بر این اساس یک موجود زنده متولدشده، رشد نموده به مرحله‌ی بلوغ رسیده و پس از گذران دوره‌ی کهنسالی با مرگ از بین خواهد رفت. تعمیم فرایند چرخه‌ی رشد و نمو موجودات زنده به سایر مقوله‌های اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیکی از سابقه‌ی زیادی در بین صاحب‌نظران علوم اجتماعی

برخوردار است. مطالعه‌ی موسیقی بر پایه‌ی این نظریه برگرفته از موضوعات مطرح‌شده توسط برونو نتل است. بر این اساس موسیقی قومی کرمان را به چهار بخش اصلی کودکی، بلوغ، نوجوانی و جوانی، مذهبی و آیینی و سوگ تقسیم‌بندی کرده و هر یک را به اجمال توصیف خواهیم کرد.

بخش کودکی:

موسیقی متعلق به نخستین دوره از حیات انسان، ترانه‌های کودکانه و لالایی‌ها است.

ترانه‌های مادران، لالایی

لالایی‌های کرمان، مانند دیگر لالایی‌های ایرانی ویژگی‌های مشخصی دارند که از نظر موسیقایی در هر منطقه، تحت تأثیر اقوام ساکن آن حوزه و موسیقی یا مدهای مورد توجه آن حوزه قرار دارند برای مثال «لالایی‌های مناطقی از شهرستان بم و زرن در دشتستانی، ناحیه‌هایی از جیرفت و رودبار در شوشتری و قسمت‌هایی از منوجان در ماهور اجرا می‌شود» (توحیدی ۱۳۹۷: ۱۸). مضمون اشعار لالایی‌ها بیشتر درددل‌های مادران با فرزندان خود است. به‌طور کلی هیچ ناحیه‌ای در استان کرمان وجود ندارد که لالایی در آن اجرا نشود. «این لالایی‌ها را می‌توان بر اساس گویش اشعار و فرم‌های اجرایی به قسمت‌های مختلفی تقسیم کرد. برای مثال اشعار لالایی‌های اطراف رودبار به علت روحیه‌ی جنگاوری و حماسی منطقه، بیشتر به موضوع رزم و دلآوری می‌پردازد» (توحیدی ۱۳۹۷: ۱۹) ولی در بین عشایر منطقه‌ی بافت، موضوع اشعار بیش‌تر به کوچ و غربت و انتظار می‌پردازد. رایج‌ترین قالب لالایی در کرمان دوبیتی^۱ است. دوبیتی شعری یازده هجایی مرکب از چهار مصراع است که همه بر یک قافیه جز مصراع سوم که آوردن قافیه در آن اختیاری است در کنار آن می‌توان به برخی مثنوی‌های^۲ نه‌چندان بلند و گاه ترکیبی فرد از مصراع‌هایی نظیر سه مصراعی و پنج مصراعی اشاره کرد. ساختار این

۱. لالا گلی دارم به گاچو (گهواره) بلبلی دارم / به گاچو بلبل باغی که از گل بهتری دارم

Le la lala goli daram Be ga co bolboli daram Be ga co bolbole baqi Kea z gol behtari daram

۲. اولا لالا گل آلو عزیزم مست خوابالو / به خواب جونم بکن لالا به غربت می‌روی فردا

Ola lala gole allo Azizam maste khabalo Be khab jonam bekon lala Be ghorbat miravi farda

لالایی‌ها از تکرار پایه‌ی مفاعیلن در مصراع‌های متوالی به‌وجود آمده است که دوبار یا بیشتر تکرار می‌شود.

للا^۳ لالا گل خشخاش بابات رفته خدا همراش / بابات دیرو سفر رفته که ا ما بی خبر رفته

ترانه‌های کودکان

ترانه‌های کودکان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، نخست ترانه‌های بدون بازی، ترانه‌هایی که کودکان خودشان می‌خوانند و یا به آنها یاد می‌دهند و دوم ترانه‌های در بازی که شامل ترانه‌های متن بازی و پیرامون بازی می‌باشد.

ترانه‌های بدون بازی کودکان

ترانه‌هایی که کودکان با خود زمزمه می‌کنند، اغلب نغماتی است که به‌طور شفاهی و غالباً از دیگر کودکان یاد گرفته یا به گوششان رسیده است. بعضی از این ترانه‌ها برداشتی آزاد از ترانه‌های ساخته‌شده توسط بزرگسالان است که کودکان با اندکی دست‌کاری آنها را می‌خوانند. البته این دست زمزمه‌های کودکانه را نمی‌توانیم الزاماً جزو آوازهای کودکان قرار بدهیم، اما به هر حال جزو آوازهایی هستند که بیشتر کودکان کرمانی آنها را می‌شناسند. در بسیاری موارد سراینده‌ی این شعرها مشخص نیست اما مضمون آنها به زندگی روزمره، شیطنت‌های کودکانه و مضامینی از این دست ارتباط پیدا می‌کند.^۴

ترانه‌های همراه با بازی کودکان

دسته‌ی دوم از کارگان آوازهای کودکان، ترانه‌هایی هستند که کودکان در هنگام بازی‌های حرکتی و معمولاً به شکل دسته‌جمعی آن را می‌خوانند. این آوازها دارای مضامین گوناگون از مسائل اساطیری و باورهای ایرانیان گرفته تا مسائل روزمره‌ی زندگی است. در اینجا به دو نمونه از این آوازهای همراه با حرکات و بازی اشاره می‌کنیم.

۳. Le lala gole xaxsas Babat rafte xida hamras Babat diro safar rafte ke a ma bixabar rafte

۴. رفتم به باغ کاکا چیندم انار کاکا / کاکا به سر رسیده چاقوی کمر کشیده

Raftam be baghe I kaka cindam anar I kaka kaka be ser rasida caqu I kimir kasida

رفتم به باغ پسته مندلی خوان نشسته / سنگی زدم به دوشش مرواری ریخت تو کوشش(دامن، دامنش)

Raftam be bagh I pista Mandili xan nisista Sangi zidim be dusis mur-wari rixt tu kusiss

آتَلک تی تَتَلک: بچه‌ها به‌طور نیم‌دایره روی زمین می‌نشینند و پاهای خود را دراز می‌کنند. یک نفر از آنها شعر می‌خواند و با هر ضرب به نوبت روی پای بچه‌ها می‌زند. هنگامی که با آخرین ضرب شعر دستش روی پای زده شد بچه آن پای خود را جمع می‌کند و بازی ادامه می‌یابد تا فقط یک پا باقی بماند.

اتلک^۵ تی تتلک پنجه پشیمان شکر (صحیح: پنجه بشه مال شکرک) / احمدک، جون پدر، برو به جنگ شونه سر

شونه سر غوغا شد، مشت راستش واشد / عباس کجا؟ تو باغچه. چی می‌چینه؟ آلوچه

ور دخترور خونه، ور پسرور کوچه / دسمال شاه سوخته شده، آب طلا ریخته شده

جمو جمو هویزه: بچه‌ها پنجه‌های خود را مشت می‌کنند و مشت خود را روی هم سوار می‌نمایند. بچه‌های که مشت‌هایش روی همه قرار دارد دست بالایی خود را باز می‌کند و با کف آن دست روی مشت خود مالیده و می‌خواند؟ «غلغلک، زیپل زیپل حنایی، ننه پیرزالو، سرگریز کو، گو گوساله فنگلی، انگشتر بازی و از جمله ترانه‌های کودکان‌های هستند که در هنگام بازی خوانده می‌شود» (لرمیر ۱۳۹۵: ۷۸).

بخش نوجوانی، بلوغ و جوانی

میلر نیوتون در کتاب نوجوانی «نوجوانی را دوره‌ی فرایندهای رشدی انتقال از کودکی به بزرگ سالی می‌داند» (نیوتون ۱۹۹۵: ۲۵). این فرایندها جنبه‌های گوناگونی دارند. اول، رشد و نمو سازمان عصبی مغز که نمود آن در تحول فرایندهای شناختی، عاطفی و رفتارها مشاهده می‌شود. دوم، رشد فیزیکی که شامل رشد اندازه‌های بدنی و تغییر

Atelak ti titilak panja pisiman I saker ahmadak jun I pidar buro be jang I o
sunasar

Sunasar yoya sud, must I rastis wa sud abbas kuja? Tu bayca. Ci micina aluca
Ver duxterun I xana ver piserun I kuca dasmal I san suxta suda/ ab I tila
rixta suda

۶. جمو جمو هویزه بابام رفته بیوزه / آورده مرغ ریزه مرغک روونه می‌شه دلم دیونه می‌شه /
بحق شاه مردون دست بلا بگردون

Jimu jimur haviza babam rafta bibiza awurde mury I riza muryak
rawuna mise dilam diyuna mise be haqq I sah I merdun dasate bala
bigerdun

در نیم‌رخ جسمی است. سوم، رشد نظام جنسی یا تولید مثل، شامل جسمی و رفتاری؛ چهارم، رشد احساس «خود» به عنوان یک بزرگ سال یا یک انسان مستقل و خود راهبر؛ پنجم، کسب موقعیت بزرگ سالی در گروه اجتماعی یا فرهنگ؛ ششم، رشد کنترل رفتاری خود در تعامل با جامعه. در خصوص طول دوره‌ی نوجوانی اتفاق نظر کاملی بین روان‌شناسان وجود ندارد. آنان طول این دوره را از سیزده تا چهارده سال دانسته‌اند. اما در آثار جدید روان‌شناسی معمولاً سنین ۱۱ تا ۱۳ و ۱۸ تا ۲۰ سالگی را دوره‌ی نوجوانی به حساب آورده‌اند. واقعیت این است که آغاز، پایان و طول این دوره در دختران و پسران جوامع مختلف و طبقات گوناگون اجتماعی متفاوت است. با ورود به این دوران، یادگیری یک مهارت، پیشه و کار آغاز می‌شود. در سبک زندگی بومی اقوام ایرانی - در اینجا کرمان، معمولاً هر فرد از سنین نوجوانی در پی یافتن پیشه‌ای برای آینده‌ی خود خواهد بود. هر چند در شیوه‌ی نوین زندگی شهری احتمالات یافتن یک شغل به‌طور کلی تغییر کرده اما در شکل حیات بومی، این احتمالات بسیار مشخص و تعریف‌شده‌تر از امروز بود: کشاورزی، دامداری، قالببافی و غیره، شغل‌هایی در انتظار نسل جوان برای ادامه‌ی حیات اقتصادی به‌شمار می‌آمدند. هر یک از این مشاغل، آوازاها و موسیقی خاص خود را داشته که در اینجا پس از شرحی مختصر از مفهوم کار به این نغمات اشاره خواهیم کرد.

ارتباط موسیقی و کار به عنوان فعالیتی با هدف تولید و ارائه‌ی خدمت، موضوعی است که احتمالاً بسیار قدیم‌تر از آن است که ما امروز با آن آشنا هستیم. برخی پژوهشگران معتقدند که «اولین اصوات، حرکات و رفتار موزون که باعث پیدایش ترانه و حتی ابزار موسیقی شد در مراحل اولیه‌ی حیات توسط انسانهایی پدید آمد که به‌طور گروهی کارهای سخت و سنگین را انجام می‌دادند» (جاوید ۱۳۹۶: ۴۶).

ترانه‌های کار

زنان و مردان استان متناسب با کار و پیشه‌ی خود آوازاها و ترانه‌هایی را زمزمه می‌کنند که این ترانه‌ها و آوازاها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست آنهایی که جنبه‌ی کاری دارند و نبود آنها باعث اخلال در کار می‌شود. مانند نقش‌خوانی در قالبباف‌خانه‌ها، مقام‌های ساربان‌ی، ملخ‌زنی، اعلان فوت، بیدار کردن مردم هنگام سحر،

دور کردن حیوانات وحشی و جمع‌آوری نذورات. دوم ترانه‌ها و آوازهایی که همراه با کاری یا برای رفع خستگی و دل‌تنگی خوانده می‌شوند مانند ترانه‌ها و آوازهای کوچ، ترانه‌های مخصوص کاشت و برداشت محصول، آوازهای چوپانی، گرتی‌خوانی و کار پشه‌بندزنی، ترانه‌های پته‌دوزی، شیرینی‌پزی و غیره.

دسته‌ی اول

موسیقی قالیباف‌خانه^۷، مجموعه‌ای است از میراث شفاهی هنرمندان قالیباف، که نسل به نسل منتقل شده و هنوز هم در مراکز قالیبافی استان کرمان خوانده می‌شوند. در گارگاه‌های قالیبافی یک نفر به نام نقش‌خوان با توجه به نقش و رنگ، جملاتی را ادا می‌کند و بافندگان او را همراهی می‌کنند. نقش‌خوانی به عهده‌ی یکی از استادان و پیش‌کسوتان کارگاه قالیبافی است. اکثر نقش‌خوان‌ها دارای صدایی رسا و خوش هستند و گاهی در بین نقش‌خوانی به خواندن آوازهای غریبی می‌پردازند.

نغمات ساربان‌ی و بعضی از نغمات چوپانی: در سابق، کاروان‌های شتر، حمل و نقل کالا و همچنین مسافران را در استان و خارج از آن به عهده داشتند. معمولاً ساربان‌ها برای هدایت و جمع کردن شترها و گوسفندان با نی محلی «رُ»ها (مقام‌ها)، آوازها و ملدی‌هایی را اجرا می‌کردند. «که از مهم‌ترین آنها می‌توان به اُشترقطار، اُشتر مرو، اُشترخزو، اُشتررو، اُشترخجو، گله‌رو و گله‌هی اشاره کرد که هر کدام از این ملدی‌ها کاربرد خاص خود را داشته است. برای مثال، نغمه‌ی اُشتر مرو برای آوردن شترها برای خوردن آب بوده است. و نغمه‌ی خجو برای جمع کردن شترها. در ضمن ساربانان سازی به نام جوغ را روی شتر می‌نواختند» (توحیدی ۱۳۹۷: ۳۲).

ملخ زنی: در دو فرسنگی جنوب شرقی کرمان و در مسیر راه کرمان- ماهان، به روستای حسین‌آباد می‌رسیم. در این منطقه هنگامی ملخ‌ها به مزارع حمله می‌کرده‌اند.

۷. اولش دوغی جاخو، لاکی پیش اومد، لاکی جاخو آخرش هم پیش اومد، شد، چهرهای پیشرفت، دوغی سه تا تار و یکی سر، بچینین هی جاخو، چیندم، آخر پیش اومد، بیشتر پیشرفت شد. سرش جاخو رفت، جاخوپین وش یکی جاخو، یوشکی دو تا سنجتی نو، دوشکی، دوغی جاخو، دوتا هم سورمه ای، پیش سه تا لاکی سر، سره جاخو دوباره دارچینی، دودوش قهوه ای، پیش اومد، سنجتی آخرش جاخو، چاره او شکی پیش اومد و . . .

«روستائیان در کنار کشتزارها خندقی به طول مزارع و به عرض ۷۵ تا ۱۰۰ سانتی‌متر حفر می‌کردند و به همگان از بزرگ و کوچک و زن و مرد با نواختن دهل وهای و هوی کردن، ملخ‌ها را سوی خندق می‌راندند تا ملخ‌ها در خندق بیفتند و سپس روی آنها خاک ریخته و زنده به گور می‌کردند» (فرهادی ۱۳۹۵: ۵۱).

آواهای اعلان، اعلان فوت و عزاداری: «سفید مهره» نوع خاصی از بوق صدفی است که در گذشته، برای خبر کردن مردم از واقعه‌ای مثل حمله‌ی راهزنان استفاده می‌شد. هم‌اکنون این ساز در مراسم عزاداری و در بعضی از نقاط استان برای اعلام فوت اشخاص به‌کار می‌رود، به‌طوری که برای اعلان فوت سه‌بار در این ساز می‌دمند و تمامی اهالی شهر یا روستا از واقعه آگاهی می‌یابند. سفید مهره در مناطقی مانند چترود، سیرچ، ده زیار، دُران، جوشون، شهداد، گودیز، و همچنین روستاهای دُران نواخته می‌شود. این ساز در بین اهالی از حرمت خاصی برخوردار است «و حتی بعضی از بومیان بر این باورند که دور کردن سفید مهره از شهر یا روستا برای اهالی بدیمن است. در بعضی از نواحی استان به این ساز گوش‌ماهی هم گفته می‌شود. بعضی از پژوهشگران ریشه‌ی این ساز را در کشور هندوستان می‌دانند» (توحیدی ۱۳۹۷: ۳۵).

بیدار کردن مردم هنگام سحر: «چیلک» نوعی پیت حلبی است که با چوب نواخته می‌شود. از این ساز در بعضی از روستاهای رفسنجان و در مراسم مذهبی استفاده می‌شده است. در مناطقی از استان هم از این ساز برای بیدار کردن مردم در سحرهای ماه مبارک رمضان استفاده می‌شده است. در حال حاضر این ساز از حلب‌های روغن ساخته می‌شود که به وسیله‌ی طناب به شانه یا گردن نوازنده آویخته می‌شود.

دور کردن حیوانات وحشی و جمع‌آوری نذورات: «شاخ نفیر» (بوق شاخی) سازی است بادی از جنس شاخ بز نر که توسط قلندران و دراویش دوره‌گرد استفاده می‌شود. در گذشته از این ساز در مسیر سفرها و برای دور کردن حیوانات وحشی و ترساندن آنها استفاده می‌شده است. ولی در حال حاضر از آن برای باخبر کردن اهالی محله‌ها، برای کمک و جمع‌آوری نذورات استفاده می‌کنند.

دسته‌ی دوم

ترانه‌ها و آوازهای کوچ: این ترانه‌ها در بین عشایر استان رواج دارد و در هنگام کوچ با توجه به نوع گویش و فواصل موسیقایی رایج در بین افراد عشایر خوانده می‌شود. گاهی به همراه خواندن ترانه از ساز نی و گاهی سُرنا و دُهل بهره می‌برند.

ترانه‌های مخصوص کاشت و برداشت محصول، آوازهایی که موقع کاشت خوانده می‌شوند به دو نام معروف هستند: آوازهایی که در مناطق سردسیر خوانده می‌شوند به «بالاؤلاتی» و آوازهایی که در مناطق گرمسیر خوانده می‌شوند به «گودی» مشهورند. اکثر کشاورزان در حین کار این آوازهای محلی را می‌خوانند و گاهی در هنگام کارهای دسته‌جمعی کسی که خوش‌صداتر است، می‌خواند و بقیه گوش می‌دهند. در هنگام چشم خرم‌ن و همچنین جشن کاکل معمولاً نوازنده‌ها به پای زمین‌های کشاورزی می‌آیند و به نوازندگی می‌پردازند. این نوازنده‌ها معمولاً کولی هستند. آواز دیگری به نام سرآوردی در مناطق جنوبی و در هنگام کشت خوانده می‌شود؛ آورد به معنای انتهای زمین کشاورزی است. افراد کشاورز در هنگامی که با گاو از چاه آب می‌کشند یا در هنگام شخم زدن زمین، ترانه‌هایی را اجرا می‌کنند؛ آنها در مناطق جنوبی استان، در رودبار و منوجان ساکنند. «کُرتی‌خوانی» آوازهای غم‌انگیزی هستند که در هنگام کشاورزی خوانده می‌شوند، کُرت به معنای زمین کاشته‌شده از محصول است. هم‌اکنون کُرتی‌خوانی، مقامی است که همراه نی، سرنا یا چنگ اجرا می‌شود.

آوازهای چوپانی: به آوازهایی که چوپان‌ها معمولاً برای رفع دلتنگی می‌خوانند کُردی‌خوانی گفته می‌شود (کُرد به معنای چوپان است). در حال حاضر این آوازها در تمام نواحی استان و حتی در بین افراد دیگر نیز رواج دارد. ساز اصلی چوپان‌ها نی است که در نقاط مختلف استان به آن نی کردی، نی شش بوق (شش‌بند)، نی یک بوق و در جنوب استان «زال» گفته می‌شود. از مهم‌ترین آوازها و نغمه‌هایی که توسط چوپان‌های استان اجرا می‌شود، می‌توان به غریبی، سرکوهی، گردو زبرکو، «رُ» یِ بلوچی، «رُ» یِ رمزون، بالایی، سرحدی، گیسکو، ایل کوچ و... اشاره کرد.

کُرتی‌خوانی، «کُرت» به معنی زمین کاشته‌شده از محصول است و کُرتی‌خوانی، آوازهای غم‌انگیزی است که در حین کشاورزی خوانده می‌شود. اکنون کُرتی‌خوانی، مقامی است که به همراه نی، سرنا یا چنگ خوانده می‌شود.

ترانه‌های شادمانی

معمولاً در اقوام ایرانی مرحله‌ی بعد از بلوغ و نوجوانی و با ورود به جوانی و یادگیری مهارت و داشتن شغل ازدواج است. در زندگی قومی و روستایی معمولاً ارتباط تنگاتنگی بین کار و ازدواج وجود دارد. ازدواج یکی از سه مرحله‌ی اساسی در حیات زیست فرهنگی انسان است. «از دو جنس مخالف در شبکه‌ای از حقوق و الزامات مشترک، که در هر فرهنگی نسبت به فرهنگ‌های دیگر متفاوت است، به یک‌دیگر وابسته می‌شود» (ریویر ۱۳۷۹: ۱۰۰). «ازدواج پیوندی بین یک زن و مرد به‌طوری که بچه‌های متولدشده از زن به عنوان فرزندان مشروع هر دوی والدین شناخته شوند» (گارسون ۱۹۵۱: ۱۱۱).

ترانه‌های شادمانی: این ترانه‌ها در تمام مناطق استان، البته با ملدی‌ها و ترکیب‌های سازی مختلف اجرا می‌شود. به‌طور کلی به گروه‌های نوازنده‌ی شادمانه در استان کرمان، ساز و دهلی، لوطی و مطرب و سوری گفته می‌شود. مقام‌ها و ترانه‌ها در اصطلاح محلی استان به «رُ» (ro) به معنی راه و در بعضی مناطق به «بحر» معروفند. مشهورترین «رُهای» شادمانی عبارتند از: خیلیون یا مردم‌خوانی، سرآسیابی، نون پزون و قربونی، عاروس کشون، شست گل داره حنا، حنابندون، پا آتشی، سرتراش، سرا یا سریو بنگال، شکرپاره‌کنی، ای یار مبارک، در حمومی، اجاق بوس، بیرقی، آبادون، روونی، سرسر، پیشواز، یار پشه بند، پا تختی، هلوهالو، مبارکی، زیارتی، دُرو، عرب، شهنازی، بندری، افشاری، رنگ، اباذری، مونه تک، نباتم، سرصندوقی بچار، سرریزون، شیرعلی مردون، بیات، یه رو، فَلَک، پای لنگو، پیرن خریدم، تو تنگ حنایی جانم، گودی، داد ای دسته گل، شینکم گِته، مریلا، شیرین سبزه، شینک زرین، یُ بارونک، عَلمون، داد ای دسته گل، نازی به نازت، نازی گلو، نوروزی، گردشی، هم دار، آسیکی، غربالی، پای جم فاریاب، پای جم جیرفت، چاردار، گل پی کُنارم، پا آتشی. این رُها بیشتر با ساز سُرنا نواخته می‌شود. تقریباً در تمام نواحی استان کرمان سُرنا حضور پررنگ‌تری نسبت به سایر سازها دارد. برای همین در اصطلاح محلی «ساز» و به نوازنده‌ی آن «سازی» گفته می‌شود. سازهای دیگری که در اجرای مقام‌های شادمانه استفاده می‌شوند. کرنا، دایره، دُرک، تمبک محلی، جاریگ، چو غرو، کوزک، جره، نقاره، نی مشکی، تمپو، چنگ (قیچک محلی)، چنگ قطی و پروتی. در این قسمت به معرفی تعدادی از ترانه‌های شادمانه می‌پردازیم:

خیلیون^۸ (مردم‌خوانی): بعد از مراسم خواستگاری و تعیین روز عروسی، گروهی از طایفه‌ی عروس و داماد که بیش‌تر آنها دختران و پسران جوان به همراه چند تن از بزرگترهای فامیل هستند، برای دعوت از مهمان‌ها به در خانه‌ها می‌روند و گروهی با زدن دایره و خواندن شعر، آنها را همراهی می‌کنند.

سرآسیابی، نون‌پزون و قریونی^۹: این ترانه‌ها وقتی خوانده می‌شود که خانواده‌ی داماد برای گرفتن آرد به آسیاب می‌روند تا با آن نان مراسم عروسی را تهیه کنند؛ بعد از تهیه‌ی آرد و نان هم گوسفندانی را سر می‌برند تا از گوشت آنها برای مراسم استفاده کنند.

عاروس کشون^{۱۰}: در این مراسم دو تن از بزرگان فامیل، دست‌های عروس را می‌گیرند و یک نفر هم آینه‌ای بزرگ را جلوی وی می‌گیرد تا او پشت سر خود را هم در آینه ببیند. گروهی از زنان هم پشت سر عروس به راه می‌افتند و اشعاری را به‌صورت ترانه و معمولاً همراه با ساز دایره می‌خوانند.

شست گل داره حنا^{۱۱}: پیش از حنابندی داماد و شستن دست و پای او برای حنا کردن، این ترانه خوانده می‌شود. این ترانه در مناطق منوجان، کههنوج، عنبرآباد، جیرفت، قلعه گنج، و رودبار، کاربرد دارد. سازهای همراه: سُرنّا، دُهل و جُره.

حنابندون^{۱۲} (حنابندی): این ترانه توسط زنان و دختران هنگام حنا بستن بر دست و پای عروس و داماد اجرا می‌شود. گاهی به‌صورت نمادین دست و سر کودکان را نیز حنا می‌کنند. سازهای همراه: سُرنّا، دُهل، و جره، یا چنگ و تمپک، یا چنگ قطی و تمپک.

۸. آی خانوم‌ای پاشنه طلا، آی پا گذارید عیش ما / عاروس ما گل دسته‌ی، کاریش ندارین خسته‌ی / من به دوماد گفته ام، تنها به باغ نو مرو، / گل به دسمال، زر به کیسه، پیش نومزدت برو / اسب کردند آورده ام، از پای روز آورده ام / قوما عروس باشن خبر، خیلیون به روز آورده ام

۹. چشم خوشه ابرو خوشه، کمند رندی می‌کشه / من بنازم شست داماد، قوچ کوهی می‌کشه

۱۰. عروسم خورده کاری داره امروز، به دل میل جدایی داره امروز / عروس را می‌برن چادر

ندارم، اگه زورم رسه کی می‌گذارم

۱۱. شست گل داره حنا، یار بوی گلاب از تو می‌یا / شینک خوب داره دو تا، یار بوی گلاب از

تو می‌یا

۱۲. دوماد حنات می‌بندیم، ور دست و پات می‌بندیم / اگه حنا نباشه، تُنگ طلّات می‌بندیم، /

سرتراش^{۱۳}: قبل از این که داماد را برای حمام کردن به سرچشمه یا قنات ببرند، موی او را کوتاه می‌کنند. در هنگام انجام دادن این مراسم ترانه‌های می‌خوانند. سازهای همراه: سرنا، دهل و جره، یا چنگ و تمپیک، یا چنگ قُطی و تمپیک، یا پیروتی و تمپیک.

سِرْ اُ (سِرْ آب)، «سِرِیو بِنگنال»^{۱۴}: بعد از مراسم سرتراش، داماد را سر آب می‌برند و حمام می‌کنند. به آهنگی که در حین این مراسم اجرا می‌شود، سِرْ اُ گفته می‌شود که در نواحی جنوبی استان به آن «سِرِیو بِنگنال» می‌گویند. سازهای همراه: چنگ و تمپیک یا سرنا، دهل و جره، یا دهل خالی به همراه کف زدن، یا به همراه ضربه زدن به حَلَب یا دباله، در برخی نقاط رسم بر این است که بعد از حمام کردن، لباس نو بر داماد می‌پوشانند و لباس‌های قبلی او را به نوازندگان می‌بخشند.

شکرپاره‌کنی^{۱۵} و ای یار مبارک^{۱۶}: در مناطق جنوبی استان بعد از پوشیدن لباس‌های نو توسط داماد، گروهی شروع به پخش نقل و شیرینی می‌کنند که به این مراسم «شکرپاره‌کنی» گفته می‌شود. سازهای همراه عبارتند از: چنگ و تمپیک، یا سرنا و دهل و جره. ترانه‌ی ای یار مبارک درست بعد از مراسم شکرپاره‌کنی اجرا می‌شود. بعد از این که داماد لباس‌های خود را پوشید، او را سوار بر اسب و برای دعا به سمت زیارتگاه می‌برند. در این فاصله مردان و زنان با هم ترانه می‌خوانند و دهل و سرنا با آنها همراهی می‌کنند. در سیرجان و ارزوئیه و بافت ترانه‌ی یار مبارک با اشعاری دیگر خوانده می‌شود که شبیه واسونک‌های استان فارس می‌باشد.

۱۳. ای دِلَاکِ سر تراش، یا سر خوبیش بتراش / الله داداش به گرو، یار سر جلدیش بتراش / این جا که سر می‌تراشیدن، نقل و نبات می‌پاشیدن.

۱۴. سِرِیو بِنگنال یُ به گوال ماین، شیری نازا کن نازی به قربون / الله بخرم ساخت کرمان، شیری نازا کن نازی به قربون.

داریم داماد را سر رودخانه‌ای می‌بریم که گنال‌ها (کبوترهای چاهی) آب می‌خورند. داماد ناز می‌کند و ما به قربان نازش می‌رویم. گردنبند الله بخرم که ساخت کرمان باشد. داماد ناز می‌کند و ما به قربان نازش می‌رویم.

۱۵. شکرپاره‌کنی خَلکن بنوشن، خوشن ساعتی که شیری رخت آپو / مبارک باشه این رختون شیری، خوشن ساعتی که شیری رخت آپو.

شیرینی پخش کنید که مهمان‌ها بخورند، خوشا ساعتی که داماد رخت دامادی به تن

۱۶. ای یار مبارک مبارک باد، ای جون شری سلامت بادا / رختن خریدم مبارک بادا، ای

در حمومی (ای حموم در آیین^{۱۷}): این ترانه برای آوردن عروس از حمام و در ورودی حمام اجرا می‌شود و خانم‌ها در حال خواندن به کف زدن، دایره زدن و کَلُّو کشیدن (کَل کشیدن و هلهله) مشغول می‌شوند. همچنین این ترانه بعد از این که داماد می‌خواهد از حمام بیرون بیاید، خوانده می‌شود. در بافت، بردسیر و سیرجان به این مراسم «در حمومی» گفته می‌شود و معمولاً از ساز دایره استفاده می‌شود. در مناطق جنوبی (منوجان، کهنوج، عنبرآباد، جیرفت، رودبار، بافت، بردسیر و سیرجان) به این مراسم «ای حموم در آیین» گفته می‌شود و به جای ساز دایره از سرنا و دهل . جُره، یا چنگ و تمپک استفاده می‌شود.

اجاق بوس^{۱۸}: این مقام توسط یکی از خانم‌ها و برای بردن عروس از خانه‌ی پدر خوانده می‌شود. رسم بر این است که نانی به کمر عروس می‌بندند و عروس قبل از رفتن از خانه‌ی پدر، باید اجاق و تنور خانه‌ی او را ببوسد که نشان از حق‌شناسی و حرمت وی به پدر است.

بیرقی^{۱۹}: معمولاً درختی را جلوی خانه‌ی داماد می‌گذارند و روی آن را با بافته‌ها و پارچه‌های رنگی (بیشتر سبز رنگ) تزیین می‌کنند، بر بالای شاخه‌ها هم یک سیب و دو انار می‌بندند. به این درخت، بیرق داماد و در برخی نواحی «طراده» می‌گویند.

آبادون^{۲۰} (آوادون): یکی از مشهورترین آوازهای مراسم شادمانی در استان کرمان «آبادون» است. این آوازه‌ها در مراسم عروسی خوانده می‌شود و مجلس عروسی هم بشارت‌دهنده‌ی شروع و آباد شدن یک زندگی جدید است. طرز اجرای آبادون‌ها به این صورت است که گروهی از زنان یا دختران روبه‌روی هم می‌نشینند و معمولاً یکی از دست‌ها را مانند قاریان، کنار گوش می‌گذارند و شروع به خواندن آوازهای گروهی به نام آبادون می‌کنند. معمولاً یکی از خوانندگان شروع می‌کند و بقیه بلافاصله با او هم صدا می‌شوند و در آخر هر جمله نت انتهایی را با هم و به‌صورت طولانی می‌کشند و با یک سکوت جمله‌ی بعدی آغاز می‌شود.

۱۷. عروس ورخیز که وقت رفتنت شد، که مادرشوت به جای مادرت شد.

۱۸. عروس که کردم خبرت، نونی ببند ور کمرت / امرو پسین می‌برنت ببوس اجاق پدرت/

۱۹. آی گل نما، آی گل نما، بیرق دوماد می‌نما.

۲۰. این قدر راه اومدم تا سیل (دیدن) گل یک جا کنم / این قدر امشو که داری، من چطو سودا کنم. / سوزنت باریک باریک، هم قد عروس ما/ رخت بدوزه، طرح کرمون، گل پسند عاروس ما.

سر صندوقی^{۲۱} (بجارج): این ترانه وقتی اجرا می‌شود که مهمان‌ها متناسب با موقعیت مالی خود، پولی را به عروس و داماد هدیه می‌کنند. معمولاً وقتی که فرد جمع‌کننده جلوی مهمان‌ها قرار می‌گیرد، جمعیت فریاد می‌زند: ابوالشاد، دادم بده. در مناطق جیرفت، کهنوج و عنبرآباد وقتی داماد را برای حمام کردن می‌برند. قبل از اینکه سر صندوق لباس داماد را باز کنند، ترانه‌ی سر صندوقی را به همراه دهل، سرنا، و جره می‌خوانند.

سر^{۲۲} ترانه‌های است که بعد از پایان گرفتن مراسم عروسی و برای به حجله بردن خوانده می‌شود؛ به این صورت که بزرگان فامیل دست داماد را گرفته، نوازنده‌ها را بلند می‌کنند و در مسیر تا محل حجله می‌خوانند. چنگ و تمپک یا ساز و دهل می‌زنند تا به محل حجله برسند؛ آنجا نماز می‌خوانند و سر عروس را به سر داماد می‌کوبند و آنها را دست‌به‌دست می‌کنند. این مراسم در مناطق منوجان، کهنوج قلعه گنج، رودبار، عنبرآباد و جیرفت کاربرد دارد.

پاتختی، حجله زوون و حجله گشون: در مراسم پاتختی با خواندن ترانه و دایره زدن به شادمانی می‌پردازند. حجله زوون وقتی است که عروس و داماد را به حجله می‌برند و حجله گشون وقتی خوانده می‌شود که عروس و داماد بعد از سه روز از حجله بیرون می‌آیند. در این مراسم بیشتر از دهل و سرنا استفاده می‌شود.

بخش مراسم مذهبی و آیینی

«دین موثرترین عامل تحولات روحی و اجتماعی در بستر زمان و حقیقی‌ترین واقعه‌ی تحقق‌یافته در عرصه‌ی تاریخ بشری است» (رشیدوش ۱۳۹۸: ۷۱). برگزاری مراسم مذهبی و آیینی یکی از مهم‌ترین خصوصیات جوامع انسانی است که اجرای آن از زمانه‌های کهن تا به امروز استمرار داشته است. موسیقی مراسم مذهبی در استان کرمان شامل مداحی، مولودی‌خوانی، چاووش‌خوانی، تعزیه‌خوانی، پامنبری‌خوانی، روضه‌خوانی، مناجات‌خوانی، پیش‌خوانی، سحری‌خوانی و نوحه‌خوانی می‌باشد. که از بین آنها مولودی‌خوانی، تعزیه‌خوانی و چاووش‌خوانی از اهمیت بیشتری برخوردارند. ترانه‌های آیینی ترانه‌هایی هستند که در مراسم آیینی اجرا می‌شوند، مانند نوبت‌نوازی، وردخوانی،

۲۱. سر صندوق باز کنین، رختای دوماد در کنین.

۲۲. ای یارم ای یار همی که یحْتَنَم، دست و پا تو جمع کن همی که یحْتَنَم.

ترانه‌های مربوط به جشن سده، تندرستون، ترانه‌های مربوط به آیین طلب باران (شابارون، گل‌گشنیزو و تالو و لوک بازی)، باران‌بندی، بادبندی و بادگردانی، بادخواهی، اسب‌بازی، کشتی، کلیدزنی، الله‌رمضونی، نوروزخوانی، جشن چهارشنبه‌سوری، شب یلدا، سرچراغ، موسیقی صوفیانه و قلندری، موسیقی زورخانه و منظومه‌خوانی.

موسیقی مذهبی

مولودی‌خوانی: مولودی‌خوانی از رسم‌های کهن کرمانیان به شمار می‌آید. این مراسم بیشتر توسط صوفیه و دراویش نعمت‌الهی کرمان در خانقاه‌ها و به میمنت ولادت امامان و همچنین اقطاب و عرفا برگزار می‌شود. سازهای مورد استفاده در مولودی‌خوانی نی، تاس، سنج، دپ و سه‌تار است. و خوانندگان به خواندن ترانه‌های عرفانی می‌پردازند؛ سایر صوفیان هم با کف زدن و دم گرفتن به شادی و سماع می‌پردازند.

تعزیه‌خوانی^{۲۳} (شبیه‌خوانی): تعزیه‌خوانی نیز در استان کرمان به صورت بکر و شاخص اجرا می‌شود. مهم‌ترین مناطق تعزیه در استان کرمان، ننیز، رابر، هوتک، خانوک، چترود، سیرجان، نودژ و جوپار است. در مراسم تعزیه، خوانندگان با صدای بسیار رسا و دلنشین و با تسلط کامل بر گوشه‌هایی از موسیقی ردیفی ایران، اشعار خود را می‌خوانند. ریتم‌ها و ملودی‌ها با توجه به اسناد موجود بیش از ۱۵۰ سال دست‌نخورده باقی مانده است. ریتم‌ها گاهی دوضربی و گاهی سه‌ضربی ساده است. در سیرجان نقش آفرینان به‌طور دسته‌جمعی یا تک‌خوانی، قطعاتی را با صدای خوش و محزون همراه با نوای سرنا اجرا کرده، سازهای تعزیه در گذشته دهل، سرنا و نی محلی بوده است. هنوز هم در مناطقی، تعزیه با دهل، سرنا و در شهداد و دران به همراه نقاره و سفید مهره انجام می‌شود.

۲۳. پرسیدم از هلال چرا قامتت خم است، آهی کشید و گفت ماه محرم است/ گفتم که چیست ماه محرم به ناله گفت، ماهی که خلق جمله افلاک در هم است.

چاووش خوانی^{۲۴}: در حال حاضر آن چه که در مراسم چاووش خوانی در استان کرمان شناخته می‌شود، عبارت است از مشایعت یا استقبال از زائران اماکن مقدسه، با لحن و آوازی به ویژه که از جوهره‌ی موسیقی ردیفی برخوردار است. چاووش خوانی غالباً حالت تک‌خوانی دارد. گاهی نیز ممکن است به صورت گفت‌وگوی منظوم درآید. چاووش خوانی در مناطق مختلف استان برگزار می‌شود. در مناطقی از جمله روستای دُران، چاووش خوانی را به همراه ساز سفید مهره اجرا می‌کنند.

موسیقی مراسم آیینی

نوبت‌نوازی: مراسم نقاره‌نوازی (نوبت‌نوازی) به صورت روزانه و در دو نوبت (قبل از طلوع آفتاب و هنگام غروب) اجرا می‌شود. در زمان گذشته این مراسم در تمام ایران انجام می‌گرفته، ولی با آمدن رادیو و سایر رسانه‌ها نقش آن کمرنگ شده و اکنون فقط در چند جای ایران باقی مانده است. در یکی از امام‌زاده‌های شهداد به نام امام‌زاده زید، مراسم نقاره‌نوازی هم اکنون نیز انجام می‌شود. در اصطلاح محلی به این نقاره‌ها «طبل امام‌زاده» می‌گویند و دلیل اجرای آن را یادآوری شکوه و معنویت امام‌زاده می‌دانند. در روستای دُران هم از نقاره در مراسم عزاداری و همچنین برای نوبت‌نوازی استفاده می‌شود. قطعه‌ی سلام بر خورشید که در نقاره‌نوازی امیرآباد شول سیرجان اجرا می‌شود، یادآور نوبت‌نوازی در این منطقه است. از آن جایی که آنها در هنگام طلوع و غروب خورشید ساز می‌زدند، نام آن را سلام بر خورشید نهاده‌اند. شاید ریشه‌های این رسم به قبل از اسلام و آیین مهرپرستی (میتراثیسم) بازگردد. در شهر کرمان هم دو محل برای نقاره‌نوازی وجود داشته است، یکی در دامنه کوه نقاره‌خانه (محلّه‌ی شاهزاده محمد) و دیگری بالای سر در بازار وکیل.

وردخوانی: در بعضی از منشعبات ایل قرایی (در اصطلاح محلی قره‌ای) فردی که به آن مُلا گفته می‌شود، با کوبیدن سازی به نام چوسر به زمین (در ریتم‌های نامشخص) به خواندن دعاها و وردهایی می‌پردازد. به عقیده‌ی آنها این کار باعث دور کردن شیاطین و ارواح خبیث و نیروهای فراطبیعی از جسم و روان افراد تسخیرشده می‌شود. می‌توان

۲۴. شکر الله شد نصیبم مشهد شاه رضا، یافتم بوی بهشت از مرقد شاه رضا / داد توفیقم

خداوند کریم ذولجلال، توتیای چشم کردم خاک ایوان طلا/ بود خالی جای یاران جملگی از مرد و زن، در حریم کعبه‌ی سلطان علی موسی الرضا.

وردخوانی را نوعی جادوی پزشکی نامید. چوسِر (چوب سحر) چوبی است به ارتفاع بیش از دو متر که با زنگوله، خرمهره، قفل، دعا نوشته، طلسم، پارچه‌های رنگی، مهره سبز، پر و خرده فلز، تزیین شده است. تکنیک اجرایی چوسر به این صورت است که مُلا یا نوازنده، دسته‌ی چوسر را در یک دست می‌گیرد و پایه‌ی آن را به‌طور نامنظم به زمین می‌کوبد؛ به این ترتیب زنگ‌ها و زنگوله‌ها و اشیای آویخته‌شده به صدا در می‌آیند. و صدای زنگوله دیگری که در دست دیگر نوازنده تکان داده می‌شود نیز به چوسر افزوده می‌شود.

ترانه‌های جشن سده^{۲۵}: مراسم جشن سده از سنت‌های قدیم خاص کرمان است. در شهر کرمان برگزاری مراسم بدین گونه است که پنجاه روز قبل از عید نوروز در محله‌ی باغچه‌ی بوداغ‌آباد، جشنی از طرف زرتشتیان کرمان ترتیب داده می‌شود و رسماً از رجال و شخصی‌ها دعوت می‌کنند و با شیرینی و میوه از آنها پذیرایی می‌شود. در سابق همراه این مراسم سرنا، دهل و دایره می‌نواختند، ولی در چند سال اخیر بیش‌تر از دف استفاده می‌شود.

آیین تندرُستون: مردم کرمان هر ساله جشن با شکوه سده را پنجاه روز پیش از نوروز برگزار می‌کنند. و در چله‌ی نوروز (نهم اردیبهشت) نیز جشن کهن دیگری را به نام «تندرستون» برگزار می‌کنند. تندرستون در دامنه‌ی شیوشگان، واقع در پشت پارک پردیسان، در هم‌جواری قلعه‌ی دختر و در پای کوه در محلی به نام تندرستان برگزار می‌شود. مردم کرمان در چله‌ی نوروز، آیین تندرستون را با سفره انداختن، آتش پختن، ندزی دادن، نواختن انواع ساز و آرزوی سلامتی و گشایش بخت دختران برگزار می‌کنند و به شادی می‌پردازند.

ترانه‌های آیین طلب بارون^{۲۶}: این آیین‌ها با تفاوت‌هایی و به نام‌های «شبارون»، «تالو»، «گل گشنیزو» و «لوک‌بازی» در مناطق مختلف استان برگزار می‌شود. گل گشنیزو عروسکی است پارچه‌ای که فردی به در پلاس عشایر می‌برد و صاحب پلاس به روی عروسک آب می‌پاشد تا خداوند هم برای آنها باران بفرستد. یکی دیگر از این آیین‌ها به این صورت است که در زمان خشکسالی فردی به نام شبارون که استخوان‌های حیوانات را با نخ‌هایی به هم متصل کرده و روی شانهِی خود انداخته، ترانه‌هایی را می‌خواند و مردم

۲۵. آی سده سده سده، صد به غله پنجه به نوروز / زنون بی شو، چله به در شو، زنون شو دار به غم گرفتار /

۲۶. ای خدا بارون بده، بارون بی پایون بده / ارزن به مرغ دارون بده، گندم به مال دارون بده / ای خدا بارون بده، کره به میش دارون بده.

را دور خود جمع می‌کند و از نان و شیرینی که قبلاً آماده کرده (معمولاً کماچ) به چند نفر از مردان می‌دهد؛ درون یکی از تکه‌های شیرینی یک شیء (مهره، چوب یا سنگ) جاسازی شده است که این شیء به هر کس رسید، او را به درخت می‌بندند تا دیگران او را آن قدر کتک بزنند تا خداوند به حال او رحم کرده و باران بفرستد. در این هنگام یک نفر ضامن او می‌شود و درخواست مهلتی مثلاً یک هفته‌ای می‌کند تا خداوند باران بفرستد، و گرنه اهالی او را کتک خواهند زد. در برخی نقاط این فرد از بین سادات انتخاب می‌شود تا خداوند مهر بیش‌تری به او داشته باشد.

مراسم لوک‌بازی: شخصی را به نام لوک (شتر مست) می‌آوردند به تنش لباس‌های رنگارنگ متعددی می‌پوشانند. زنگوله‌ای به گردنش آویزان می‌کردند تا به شکل شتر دربیاید. طبل و دهل می‌کوبیدند و به هر خانه که می‌رسیدند جار (صدا) می‌زدند. های لوک اومد/ لوک ما لوکه هزار/ خیمه زده در مرغزار/ الله خدا بارون بده/ ارزن به مرغ دارون بده/ الله خدا بارون بده. اهالی خانه هم ظرف آبی بر سر لوک می‌ریختند و چون در زمستان باد سرد می‌وزید، با این کار ترحم خدا را جلب می‌کردند. این کار تا چهار شب ادامه داشت، شب چهارم هر خانه به آنها کاسه‌ی آرد و ارزن می‌داد و با آن کماچی درست می‌کردند، داخل آن مهره‌ای می‌پردازیم؛ مهره، داخل کماچ هر کس بود، او را می‌زدند تا باران بیارد و کسی ضامن می‌شد که او را کتک نزنند و اگر باران نمی‌آمد، ضامن را کتک می‌زدند؛ این ضمانت تا وقتی طول می‌کشید که باران بیاید.

کلید زنی: کلید زنی در شب بیست و هفتم ماه رمضان برگزار می‌شود. در این رسم همه بیشتر بیوه زنان، زنان بدون فرزند و دختران دم‌بخت شرکت می‌کنند. هر زن حاجت‌مندی «کمویی» برمی‌دارد و در آن یک آئینه و یک سورمه‌دان و مقداری نبات می‌گذارد و به در خانه‌های محله می‌رود. کلیدزن‌ها آن‌چنان رویشان را محکم می‌پوشاندند که کسی آنان را نمی‌شناسد. در خانه هر کس که می‌رسند با کلید چوبی که همراه دارند با ریتم‌های مشخصی به کمو یا در خانه می‌کوبند. زن صاحب‌خانه با شنیدن صدای ریتم کلید زن، در را باز می‌کند و بدون سؤال، برای روشنایی و باز شدن گره از کار کلید زن‌ها به آئینه نگاه می‌کند، مقداری از نبات داخل کمو را در دهان می‌گذارد و از سورمه‌دان به چشمش می‌کشد. زنان عقیده دارند هر کس از سورمه‌دان به چشمش بکشد، شب عید حضرت فاطمه به چشم او سورمه می‌کشد و روشنایی ابدی به او می‌بخشد. بعد از سورمه کشیدن،

مقداری خوراکی و پول و اگر فصل انار باشد، دانه‌ای انار در کمو می‌ریزند؛ عقیده دارند انار و خوراکی‌هایی که کلیدزن‌ها جمع می‌کنند، خاصیت بسیار دارد و هر حاجت‌مندی بخورد حاجتش برآورده می‌شود.

الله رمضونی^{۲۷}: از دیگر سرگرمی‌های بچه‌ها و جوانان در شب‌های ماه رمضان، خواندن اشعار «الله رمضانی» است. برای اجرای این رسم جوانان و بچه‌های هر محل با تشکیل گروه‌های پنج تا ۱۰ نفره از شب اول ماه رمضان، بعد از افطار، به در خانه‌ها می‌روند و اشعار الله رمضانی می‌خوانند و هدایایی مثل پول یا یک خوردنی جمع‌آوری می‌کنند و آخر سر بین خود تقسیم می‌کنند و به خانه‌هایشان باز می‌گردند.

منظومه^{۲۸}: به مثنوی‌های بلند داستانی، حماسی، عاشقانه و تمثیلی گفته می‌شود که در سرتاسر نقاط کشور رایج بوده و هست. «سنایی» و «نظامی» بنیان‌گذاران منظومه‌سرایی هستند. به استناد گفته‌ی بیشتر اساتید فرهنگ‌پژوه، خواجوی کرمانی بعد از نظامی، هم در منظومه‌های عرفانی و هم عاشقانه، موفق‌ترین منظومه‌سرای کشور بوده است. در کرمان علاوه بر منظومه‌های خواجو و تعدادی شاعر کلاسیک کرمانی، منظومه‌های بسیاری در استان خوانده می‌شوند. به طوری که تنوع منظومه‌خوانی در استان کرمان از تمام نقاط کشور بیشتر است. از منظومه‌های رایج در استان کرمان به «خرم و زیبا»، «نیک بخت و بد بخت»، «کلو»، «فتنه خونریز»، «سبزه و پری»، «کامران و جنگجو»، «اصلی و کرم»، «باقر و گل اندام»، «حیدر بیگ و ماه صنم‌بر»، «نارنج و ترنج»، «سنگین دل»، «عارف و ماه»، «محمد گله دار»، «مادر و فضل الله» و غیره اشاره کرد. اکثر منظومه‌ها به همراهی یک ساز محلی اجرا می‌شوند، چون ساختار موسیقایی منظومه‌خوانی به صورت آوازی و متر آزاد است. سازهای همراه، متناسب با این که در چه منطبق‌های اجرا شود متفاوت هستند. در برخی نقاط به همراه «زال» (نی محلی)، در برخی نقاط «سرنا» و در بعضی نقاط به همراه «فیچک» محلی که در جنوب کرمان به «چنگ» و در منطقه‌ی بافت، «خبر» و در ارزوئیه به «چگر» مشهور است، اجرا می‌شود. در قلع گنج هم منظومه‌ها با ساز «چنگ قُطی» اجرا می‌شوند. فواصل موسیقایی و گردش‌های ملدیک متناسب با

۲۷. ما از اون بالای بالا اومدیم، ما از اون صندوق اعلا اومدیم/ تو صندوق پر از نقش و نگار،

کیبوتر پر می‌زند فصل بهار.

۲۸. نه از سعد و نه مَحَرَم گله دارم، خجالت از شه بنگاله دارم / شه بنگاله و سلطان ملک شاه، دگر هم زاده و سعد . سپه دار.

منطقه‌ی اجرا متفاوت است.

شاهنامه‌خوانی: این آواز معمولاً در مراسم شه‌شه گن (به معنای شب ششم تولد نوزاد) و شب‌نشینی‌های خوانین و بزرگان اجرا می‌شود. معمولاً خواندن اشعار شاهنامه با سازهایی از قبیل زال، چنگ، چنگ قُطی و پروتی همراه می‌شود.

موسیقی زورخانه: وجود زورخانه‌های زیاد در استان کرمان، نشان از اهمیت این ورزش در بین مردم استان دارد. کباده چهارصد ساله‌ی زورخانه‌ی عطایی کرمان و همچنین عکس‌های موجود از ورزشکاران و مرشدهای قدیمی به همراه تنبک زورخانه در سازمان اسناد ملی استان، از قدمت این ورزش در کرمان حکایت دارد. در نقاشی‌های قدیمی سقف چهارسوق بازار کرمان و همچنین سر در حمام گنجعلی‌خان کرمان، افرادی در حال انجام دادن حرکات ورزش باستانی به همراهی ضرب زورخانه دیده می‌شوند.

بخش سوگ

مراسم سوگواری در هر جامعه به مناسبت مرگ فردی از خانواده اجرا می‌شود که نحوه‌ی اجرای آن به عواملی از قبیل نقش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اعتقادی و غیره‌ی فرد متوفی در جامعه، شرایط سنی و جسمی شخص متوفی، نحوه و چگونگی مرگ شخص متوفی، ضوابط و دستورالعمل‌های اعتقادی، نگرش و طرز تلقی جامعه از مرگ بستگی دارد. مرگ را می‌توان تغییر از حالتی به حالت دیگر تلقی کرد که اجباری بوده و در اختیار انسان نیست. در این بخش به معرفی موسیقی‌های سوگواری در استان کرمان می‌پردازیم. سوگ‌آواهای استان کرمان به چند دسته تقسیم می‌شوند: شرمه، غریبی‌خوانی، خرمی، بیابونی، فارغونی، سرکوهی، بالایی، گودی، حاجی‌آبادی، دشتی، بالولاتی، سوغونی، کهنویی، سرحدی، سرآوردی، سالک، کسرکندی، رودباری، دهو، جزوناتی، مورک‌خوانی، گُناز زنگیان، مُجیران، لاله کَلْمُرز، سرچاهی، روی قهر و آشتی. سوگ‌آواها در تمام مناطق استان با اشعار و فرم‌های آوازی متفاوت و همان‌طور که ذکر شد به همراه نی محلی، چنگ و سرنا اجرا می‌شوند. این آواها ناله‌هایی است از دل که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

شـرمه: نوعی موسیقی است که نوازندگان محلی در اطراف سیرجان با نی چوپانی اجرا می‌کنند و دارای متر آزاد است. این آواز که غالباً با اشعار فایز دشتستانی و باباطاهر عریان خوانده می‌شود، از هر لحاظ یادآور آوازهای دشتستانی متداول در جنوب ایران است.

خرمی: از انواع آوازهای متداول در منطقه‌ی کهنوج کرمان است که از متر آزاد برخوردار بوده و در برخی حالات با آواز کردی (چوپانی) مشابهت دارد. این مقام توسط یکی از اساتید بزرگ موسیقی کهنوج به نام خرمی، اجرا و ثبت شده است.

غریبی‌خوانی^{۲۹}: هم در بعضی مناطق استان به آن «چاربیتو» می‌گویند، از مقام‌های اصیل و بکر ایرانی است. به گفته‌ی محمدرضا درویشی، روستاهای کرمان از خاستگاه‌های اصلی و ناشناخته‌ی شروه‌خوانی مناطق جنوب به‌خصوص بوشهر بوده است. به گفته‌ی ایشان، شواهد زنده‌ای در دست است که شروه ابتدا در کرمان و مناطق دیگری که پارسیان اصیل می‌زیسته‌اند رواج داشته و اکنون هم به نام غریب‌خوانی رایج است.

دهو^{۳۰} (لیکو): از کوتاه‌ترین سروده‌های شفاهی ایرانیان. دهوها در نواحی رودبار زمین (جنوب کرمان) همراه با سازهایی مثل چنگ، زال، چنگ قُطی، یروتی و سرنا خوانده می‌شود. محتوای دهوها را بیشتر درد و غم‌های عاشقانه، جوان مرگی و سوگ، فراق و هجران، درد و دوری از سرزمین مادری و توصیف محبوب تشکیل می‌دهد. دهو به معنای دلتنگی است. دهوها معمولاً چهار کلمه‌ای و پنج هجایی هستند. دهوها به انواع زهیرکی، تسکین، دیکن و دهو زهرا تقسیم می‌شوند. زهیروکی^{۳۱}، نوعی دهو و آواز غمگینی است که در استان کرمان و شهرستان‌های منوجان، قلعه گنج و رودبار اجرا می‌شود. این آواز بیش تر با همراهی نی محلی (زال)، قیچک محلی (چنگ)، سرنا، یروتی و چنگ قُطی اجرا می‌شود. مقام تسکین نوعی دهوست که در جنوب کرمان اجرا می‌شود. این مقام در نواحی جنوبی با نی و چنگ و چنگ قُطی اجرا می‌شود. دیکن، به دهو در مناطق کهنوج و فاریاب، دیکن گفته می‌شود، با اندکی تفاوت در شیوه‌ی اجرا. دهو زهرا: زهرا یکی از

۲۹. غریبی ناله‌های زار داره، غریبی درد دل بسیار داره / غریبی می‌کنه بنیاد ما را، به پای گلشنش صد خار داره.

۳۰. مؤدُن شُلِیلت (شلال موهایت)، ووست کنم سیلت (بگذار ببینمت) / هوا بهارن (هوا بهاریه)، چشمم گهارن (چشمم نگهبان) / تا زنده هستم،

سلام ت ارستُم (دعا گوی توام)، جنگل پیچاکی (جنگل انبوه پیچک).

۳۱. پُشت مدّه غیزی، جگرمه سوزی / دم دم بیومن، خواوم حرومن.

با من قهر نکن و نرو، جگر من را می‌سوزانی / صبح داره می‌شه، و خواب بر من حروم شده.

همسران کامران از حاکمان قلعه گنج بوده است که کامران بعد از مدتی او را رها می‌کند. دهو زهرا، نوعی غریبی است که در فراق او و از زبان زهرا خوانده می‌شده است.

مورک خوانی^{۳۲} (مورکن): نوع خاصی از سوگ‌آوای مناطق جنوبی استان است که معمولاً بالای جنازه توسط زنان و دختران و در ماتم از دست‌رفتگان خوانده می‌شود. مورک‌خوانی معمولاً به صورت دسته‌جمعی اجرا می‌شود. در جیرفت به مورک، مور گفته می‌شود.

کهنویی^{۳۳}: آوازی است با اشعار عاشقانه که به همراه نی، سرنا و چنگ اجرا می‌شود. این آواز اصالتاً مربوط به کهنوج است و در استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان نیز رایج است.

موسیقی موقعیتی و غیرموقعیتی

مردم ساده و پرتلاش که در کوه و دشت به سادگی زندگی می‌کنند، به دلیل انس بدون واسطه با طبیعت، از تمام مظاهر زندگی پیرامون خود متأثر می‌شوند و متناسب با درک و اندیشه‌های خود نسبت به آنها واکنش‌های بی‌ریا نشان می‌دهند. اعتقادات، روحيات، ارزش‌ها و باورهای این مردم به وضوح در رفتار، گفتار، عادات، سنن و هنرهای آنها متجلی است. قصه‌ها، شعرها، آوازها و نغمه‌های آنها به راحتی و روشنی پرده از راز درون و ویژگی‌های عاطفی آنها برمی‌دارد. و در میان تمام عناصر فرهنگی، موسیقی بومی و قومی بیش از بقیه، بیان‌کننده‌ی ارزش‌ها و باورهای یک ناحیه است. در زندگی قومی موقعیت باعث خلق اثر موسیقایی می‌شود. به‌طور کلی موقعیت‌های کاربردی موسیقی قومی کرمان را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: لالایی، بازی کودکان، کار، جشن و شادی، مذهب، آیین و سوگ.

۳۲. ماری بْخُوا زبونم (مار زبانم را بزند)، تمری بْخُوا دندونم (کرمی دندانم را بخورد) / که نُم تَبِرم به مورکن (که نام تو را در مورک ببرم).

۳۳. چشمت به من و دلت ز جای دگر است، آن جا که تو دل داده ای ما را خبر است / آن جا که تو دل داده‌ای ما را غم نیست، ما مرغ پرندهایم و درخت از ما کم نیست.

توضیحات	موقعیت‌های کاربردی
<p>لالایی‌های کرمان، مانند دیگر لالایی‌های ایرانی ویژگی‌های مشخصی دارند که از نظر موسیقایی در هر منطقه، تحت تاثیر اقوام ساکن آن حوزه و موسیقی یا مدهای مورد توجه آن حوزه قرار دارند.</p>	<p>لالایی‌ها</p>
<p>ترانه‌های شفاهی کودکان که در بازی خوانده می‌شود دارای مضامین گوناگون است از مسائل اساطیری و باورهای ایرانیان گرفته تا مسائل روزمره‌ی زندگی</p>	<p>بازی کودکان</p>
<p>زنان و مردان استان متناسب با کار و پیشه‌ی خود آوازها و ترانه‌هایی را زمزمه می‌کنند که این ترانه‌ها و آوازها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست آن‌هایی که جنبه‌ی کاری دارند و نبود آن‌ها باعث اخلال در کار می‌شود. دوم ترانه‌ها و آوازهایی که همراه با کاری یا برای رفع خستگی و دلتنگی خوانده می‌شوند.</p>	<p>کار</p>
<p>این ترانه‌ها در تمام مناطق استان، البته با ملودی‌ها و ترکیب‌های سازی مختلف اجرا می‌شود. به‌طور کلی به گروه‌های نوازنده‌ی شادمانه در استان کرمان، ساز و دهلی، لوطی و مطرب و سوری گفته می‌شود.</p>	<p>جشن و شادی</p>

<p>موسیقی مراسم مذهبی در استان کرمان شامل مداحی، مولودی خوانی، چاووش خوانی، تعزیه خوانی، پامنبری خوانی، روضه خوانی، مناجات خوانی، پیش خوانی، سحری خوانی و نوحه خوانی می باشد.</p>	<p>مذهب</p>
<p>ترانه‌های آیینی ترانه‌هایی هستند که در مراسم آیینی اجرا می‌شوند، مانند نوبت‌نوازی، وردخوانی، ترانه‌های مربوط به جشن سده، تندرستون، ترانه‌های مربوط به آیین طلب باران و ...</p>	<p>آیین</p>
<p>سوگ‌آواها در تمام مناطق استان با اشعار و فرم‌های آوازی متفاوت به همراه نی محلی، چنگ و سرنا اجرا می‌شوند. این آوازها ناله‌های است از دل که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد.</p>	<p>سوگ</p>

جدول شماره ۱: موقعیت‌های کاربردی موسیقی قومی کرمان

تقسیم‌بندی بر اساس ماده‌ی صوتی

صدا یا صوت یا موج صوتی، از انواع انرژی است که از تحرک ذرات ماده به وجود می‌آید؛ به این گونه که یک ذره با حرکت (برخورد) خود ذره‌ای دیگر را به حرکت در می‌آورد و به همین ترتیب است که صوت نشر می‌یابد. داده‌های صوتی موسیقی قومی کرمان را می‌توان به دو گروه کلی سازی و آوازی و موسیقی دارای متر و بدون متر تقسیم کرد.

<p>موسیقی بدون متر</p>	<p>موسیقی دارای متر</p>	<p>موسیقی آوازی</p>	<p>موسیقی سازی</p>
------------------------	-------------------------	---------------------	--------------------

لالایی‌ها		لالایی‌ها	
ترانه‌های بدون بازی	ترانه‌های بازی	ترانه‌های کودکان	
	موسیقی قالیباف‌خانه	موسیقی قالیباف‌خانه	
	نغمات ساربانی	نغمات ساربانی	نغمات ساربانی
	ترانه‌های ملخزنی	ترانه‌های ملخزنی	ترانه‌های ملخزنی
	آواهای اعلان		آواهای اعلان
	بیدار کردن مردم هنگام سحر		بیدار کردن مردم هنگام سحر
	دور کردن حیوانات وحشی و جمع‌آوری نذورات		دور کردن حیوانات وحشی و جمع‌آوری نذورات
	ترانه‌ها و آوازهای کوچ	ترانه‌ها و آوازهای کوچ	ترانه‌ها و آوازهای کوچ
	ترانه‌های مخصوص کاشت و برداشت محصول	ترانه‌های مخصوص کاشت و برداشت محصول	ترانه‌های مخصوص کاشت و برداشت محصول
آوازهای چوپانی	آوازهای چوپانی	آوازهای چوپانی	آوازهای چوپانی

	نوبت نوازی		نوبت نوازی
وردخوانی	وردخوانی	وردخوانی	وردخوانی
	ترانه‌های جشن سده	ترانه‌های جشن سده	
	آیین تندرستون	آیین تندرستون	آیین تندرستون
	ترانه‌های آیین طلب بارون	ترانه‌های آیین طلب بارون	ترانه‌های آیین طلب بارون
	کلید زنی		کلیدزنی
	ا. رمضونی	ا. . . رمضونی	
	شادآواها	شادآواها	شادآواها
		منظومه خوانی	منظومه خوانی
سوگ آواها	سوگ آواها	سوگ آواها	سوگ آواها
	موسیقی صوفیانه و قلندری	موسیقی صوفیانه و قلندری	موسیقی صوفیانه و قلندری

	موسیقی مذهبی	موسیقی مذهبی	موسیقی مذهبی
	موسیقی زورخانه	موسیقی زورخانه	موسیقی زورخانه

جدول شماره‌ی ۲: تقسیم‌بندی موسیقی قومی کرمان براساس ماده‌ی صوتی (سازی، آوازی، موسیقی دارای متر، موسیقی بدون متر)

نتیجه گیری

در این مقاله به فرهنگ موسیقایی استان کرمان از تولد تا مرگ پرداخته شد. موسیقی استان کرمان سرشار از مضامین حماسی، اعتقادی، اجتماعی و توصیفی است و احساسات و ارزش‌های اخلاقی- انسانی را تبلیغ می‌کند. لالایی‌ها، ترانه‌ها، سوگ‌آواها، موسیقی صوفیانه، مذهبی و زورخان‌های از انواع موسیقی قومی کرمان است. در این پژوهش با روشی توصیفی و رویکرد طبقه‌بندی تلاش شد براساس نظریه‌ی چرخه‌ی حیات (کودکی، بلوغ، نوجوانی و جوانی، مراسم مذهبی و آیینی، سوگ) موسیقی موقعیتی و غیرموقعیتی به تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی موسیقی قومی کرمان هرچند مجمل اشاره شود. نتایج پژوهش گویای آن است که در زندگی قومی ارتباط مستقیمی بین چرخه‌ی حیات «تولد تا مرگ» و موسیقی وجود دارد و در زندگی قومی موقعیت باعث خلق اثر موسیقایی می‌شود. به‌طور کلی موقعیت‌های کاربردی موسیقی قومی کرمان را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: لالایی، بازی کودکان، کار، جشن و شادی، مذهب، آیین و سوگ.

- احمد پناهی، محمد. ۱۳۸۳. *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*. تهران: سروش.
- اسدی گوگی، محمدجواد. ۱۳۷۹. *فرهنگ عامیانه‌ی گلبافت*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- توحیدی، سید فؤاد. ۱۳۹۷. *نگاهی به موسیقی نواحی کرمان*. کرمان: سوره‌ی مهر.
- جاوید، مجید. ۱۳۸۱. *کرمان در یک نگاه*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- درویشی، محمدرضا. ۱۳۸۴. *دایرةالمعارف سازهای ایران*. جلد اول. تهران: ماهور.
- صفا، عزیز الله. ۱۳۹۰. *تاریخ جیرفت و کهنوج*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- علیمرادی، منصور. ۱۳۹۴. *اشعار و ترانه‌های شفاهی مردمان حوزه‌ی هلیل‌رود*. جلد اول. تهران: فرهنگ عامه.
- محبوب، محمد جعفر. ۱۳۸۲. *ادبیات عامیانه‌ی ایران*. تهران: چشمه.
- موید محسنی، مه‌ری. ۱۳۸۱. *فرهنگ عامیانه‌ی سیرجان*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

منابع شنیداری

- توحیدی، فؤاد. ۱۳۸۴-۱۳۹۷. *کویرانه‌ی ۱-۱۱*. کرمان: حوزه‌ی هنری. سی دی.
- . ۱۳۹۵. *باغ آوا*. کرمان: حوزه‌ی هنری. سی دی.
- ثابت‌زاده، منصوره. ۱۳۸۵. *موسیقی رقص‌های شرق کرمان*. تهران: ماهور. سی دی.